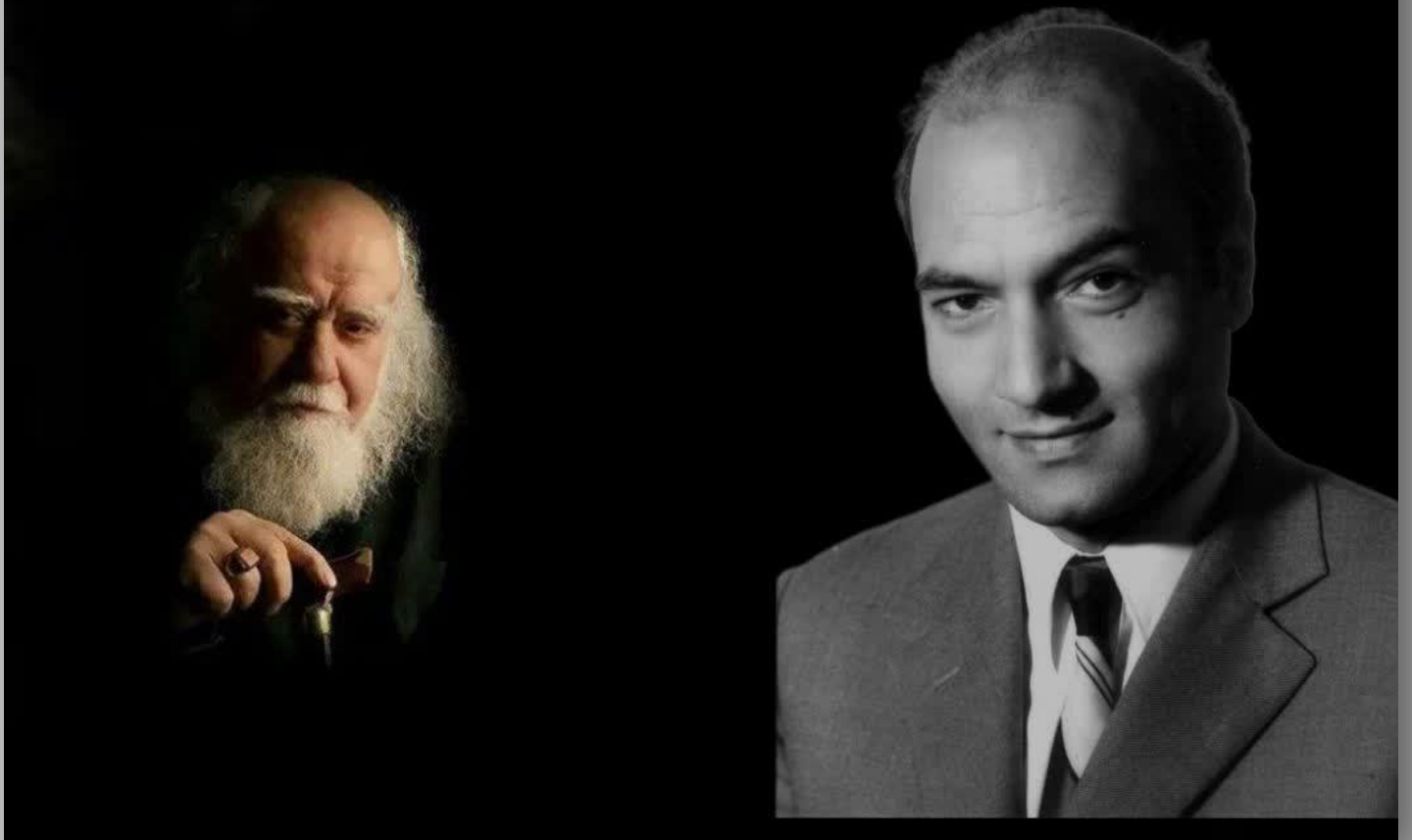




SERATE HAGH

وصیت دکتر علی شریعتی  
خطاب به علامه محمدرضا حکیمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به بهانه ۲۹ خرداد،

سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی، بازنشر وصیت

ایشان خطاب به علامه محمدرضا حکیمی

متن وصیتنامه به شرح زیر است:

برادرم! مرد آگاهی و ایمان و تقوا، آزادی و ادب، دانش و دین، محمدرضا حکیمی.

در این فصل بد که هر خبری می رسد شوم است و هر چه روی می دهد فاجعه و «هر دم از نو غمی آید به مبارکبادم»، نام شما بر این دو «یادنامه» برای یادآورد آن آرزوی دیرینه و شیرینی بود که همچون صدها هزار آرزوی دیگری که طوقی کرده بودم و به گردن فردا بسته بودم، در این ترکتاز زمانه گسست و به یغما رفت و آن آرزو، در یک کلمه بازگشت شما به میدان بود؛ میدانی که این چنین خالی مانده است و در پیرامون، نسلی عاشق و تشنه، نگران ایستاده و چشم انتظار تا مگر در برابر این «غوغا» رویاروی این دن

کیشوت‌ها و شومن‌های شبه‌هنری و شبه‌سیاسی و شبه‌مذهبی و این همه  
خیمه‌شب بازی‌ها که در مسجد و میخانه برپاست و کارگردان همه یکی  
است، سواری بیرون آید و شمشیر علی در دست و زبان علی در کام و دلی  
گدازان از عشق و سَری بیدار از حکمت و سپر گرفته از تقوا و بر گذشته از  
أحد و خندق و صفین و صحرای تف (طف) و چمنزار سرخ عدرا و با ابوذر  
در ربنده به سر برده و با هزارها قربانی خلافت اموی و عباسی و سلطنت غز و  
مغول و سلجوقی و غزنوی و تیموری و ایلخانی... در سیاه چال‌های  
دارالاماره‌های وحشت، شکنجه‌ها دیده و در آوردگاه‌های خون و خیانت  
صلیبی‌ها شمشیر زده و خط کبود شلاق استعمار تاتارهای مسیحی و آدم  
خوارهای متمدن را در این قرن‌های غارت و خواب، بر جان و تن خویش  
تجربه کرده و پرچم رسالت خون‌خواهی هابیل بر سر دست و کوله بار  
آگاهی و رنج انسان بر پشت، راه سرخ شهادت را در طول این تاریخ طی  
کرده و داغ فلسطین و بیت‌المقدس، سینا و لبنان بر جگرش صدها زخم نهاده  
و اینک، بر سیمای وارث آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد و  
علی و حسن و حسین و ... به مثابه یک «امت» - چون ابراهیم - قلم را تبر  
کند و بت‌های نمرودی این عصر، عصر جاهلیت جدید را بشکند و از  
عزیزترین ارزش‌هایی که بی دفاع مانده‌اند و آن همه یاد‌های قدسی که دارد  
فراموش می‌شود و این میراث گران و گرامی که دسترنج نبوغ‌ها و جهادها و

شهادت‌های تمامی تاریخ ماست، بر باد می‌رود، قهرمانانه دفاع کند، به یاد آورد و نگاه دارد.

علی‌رغم «این سموم که بر بوستان ما می‌گذرد» هنوز بوی گل و رنگ نسترن هست. هنوز نسل جوان که همه این توطئه‌های استعمار فرهنگی برای پوچ و پلید و بیگانه کردن وی به کار می‌رود، تب و تاب حق پرستی را دارد و برای مقابله با این سموم که از همه سو وزیدن گرفته و یاد آور همداستانی احزاب است و داستان خندق، در جست و جوی پایگاه اسلام راستین خویشند و ایستادن بر روی دو پای خویش و هنوز حوزه ما که سیصد سال است از درون، بیمار خواب و خرافه‌اش کرده‌اند و پنجاه‌سال است که از بیرون محاصره‌اش کرده‌اند و در همش می‌کوبند استعداد معجزه‌آسای خویش را در خلق انسان‌های بزرگ و نیرومند و خلاق و چهره‌های تابان و تابناک انسانی حتی در عصر انحطاط و سقوط و رواج بی‌شخصیتی و تولید و تکثیر ماسک‌های مسخره و آدمک‌های مقوایی و تکراری و همه پوک و دروغ و بی‌روح نشان می‌دهد و نقش انقلابی و انسانی ویژه خویش را که جذب روح‌های عاشق و نبوغ‌های پنهان، از اعماق محروم‌ترین توده‌های شهری و بیشتر روستایی است و سپس پیرایش و پرورش آن‌ها در چهره بزرگترین مراجع علمی و فکری مردم و والاترین رهبران و مسئولان جامعه و درخشان‌ترین حجت‌های زمان و آنگاه سپردن زمام سرنوشت عصر خویش

به دست آنان همچنان به دست دارد. در چنین یأس و با چنین مایه‌های امید، خاموش ماندن کسی چون شما پیداست که تا کجا یأس آور است؟ درست به همان اندازه که اکنون شکست سکوتتان و شنیدن سخن‌تان امید بخش است. قدرت قلم، روشنی‌اندیشه، رقت روح، اخلاص‌نیت، آشنایی با رنج مردم و زبان زمان و جبهه بندی‌های جهان و داشتن فرهنگ انسانی اسلامی‌شیعی و زیستن با آن «روح» که ویژه «حوزه» بود و یادگار «ومعه خالی آن روزها» و سرچشمه زاینده آن همه نبوغ‌ها و جهادها و اجتهادها و میراث آن تمدنی که با علم و عشق و تقوا بنا شده بود، همگی در شما جمع است و می‌دانید که این صفات، بسیار کم با هم جمع می‌شود و این «ویژگی» آنچه را امروز «مسئولیت» می‌نامند، بر دوش شما سنگین‌تر می‌سازد و سکوت و انزوا را به هر دلیل بر شما، نه خدا می‌بخشاید و نه خلق.

و اما ... برادر! من به اندازه ای که در توان داشتم و توانستم در این راه رفتم و با این که هر چه داشتم فدا کردم، از حقارت خویش و کار خویش شرم دارم و در برابر خیلی از «بچه‌ها» احساس حقارت می‌کنم. در عین حال، لطف خداوند به کار ناچیز من ارزش و انعکاسی بخشیده است که هرگز بدان نمی‌ارزم و می‌بینم که «كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لِّسِتِّ اَهْلًا نَشَرْتَهُ» و اکنون بدترین شرایطی را که یک انسان ممکن است بدان دچار شود، می‌گذرانم و سرنوشتی جز مرگ یا بدتر از مرگ ندارم. با این همه، تنها رنجم این است که چرا

نتوانستم کارم را تمام کنم و بهتر بگویم، ادامه دهم، این دریغی است که برایم خواهد ماند، اما رنج دیگرم این است که بسیاری از کارهای اصلی ام به همان علت، همیشه، زندانی زمانه شده است و به نابودی تهدید می شود. آنچه از من نشر یافته، به دلیل نبودن امکانات و کم بودن فرصت، خام و عجولانه و پر غلط و بد چاپ شده است و تمامی آن را نه به عنوان کارهای علمی تحقیقی که فریادهایی از سر درد، نشانه‌هایی از یک راه، نگاه‌هایی برای بیداری، ارائه طریق، طرح‌هایی کلی از یک مکتب، یک دعوت، جهات و ایده‌ها و بالاخره، نوعی بسیج فکری و روحی در جامعه باید تلقی کرد. آن هم در شرایطی تبعیدی، فشار، توطئه، فرصت‌گذرا و حالتی که هر لحظه‌اش انتظار فاجعه‌ای می‌رفت آن‌ها همه باید تجدید نظر شود، از نظر علمی غنی شود و خورشت بخورد، غلط‌گیری معنوی و لفظی و چاپی شود.

اینک، من همه این‌ها را که ثمره عمر من و عشق من است و تمام هستی‌ام و همه اندوخته‌ام و میراثم را با این وصیت شرعی، یک‌جا، به دست شما می‌سپارم و با آن‌ها هر کاری که می‌خواهی بکن.

فقط بپذیر. تا سرنوشت سختی را که در پیش دارم، بتوانم با فراغت دل بپذیرم و مطمئن باشم که خصومت‌ها و خباثت‌ها در محو یا مسخ ایمان و آثار من کاری از پیش نخواهد برد و ودیعه‌ام را به کسی می‌سپارم که از خودم شایسته‌تر است. لطف خدا و سوز علی، تو را در این سکوت سیاه، به سخن

آورد که دارد همه چیز از دست می رود، ملت ما مسخ می شود و غدیر ما می خشکد و برج های بلند افتخار در هجوم این غوغا و غارت بی دفاع مانده است.

بغض هزارها درد، مجال سخنم نمی دهد و سرپرستی و تربیت همه این عزیزتر از کودکانم را به تو می سپارم و تو را به خدا و ... خود در انتظار هر چه خدا بخواهد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَام



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir